



## محلات همزیست<sup>۱</sup>، معرفی الگویی از اجتماع محلی پایدار

کرامت‌اله زیاری<sup>۲</sup> و بهار حبیبیان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۰۷

**چکیده:** مشکلات ناشی از شهرنشینی لجام‌گسیخته موجب شده تا الگوهای جدید برای زندگی بهتر و پایدارتر و تأمین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ساکنان پیشنهاد شود. محلات همزیست الگویی از مسکن متکی بر روابط اجتماعی و همیاری هستند که با اتکا بر مشارکت جمعی، فضاهای عمومی مشترک، حفظ مالکیت خصوصی و حفاظت محیط زیست، شیوه‌های پایداری از مسکن را برای ساکنان خود پیشنهاد کنند. هدف این مقاله معرفی ساختار محلات همزیست و مؤلفه‌های پایداری این شیوه سکونتگاهی است. مقاله با استفاده از مرور منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی و به روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده و نتایج آن نشان می‌دهد محلات همزیست، الگوی سکونتگاهی پایداری را برای ساکنان خود فراهم می‌کنند و شاخص‌های پایداری آن در قالب چهار مؤلفه تقویت شبکه‌های اجتماعی و انسجام اجتماعی، تقویت رفتارهای دوست‌دار محیط زیست و مصرف کمتر، ایجاد حس سلامت در ساکنین و شمول و عدم شمول اجتماعی محله در آنها قابل شناسایی است. در تطبیق الگوی محله همزیست در کشور ایران نیز می‌توان از ویژگی‌های شهرهای سنتی ایرانی-اسلامی در تلفیق با مؤلفه‌های پایداری محلات همزیست بهره گرفت.

**واژگان کلیدی:** محله همزیست، پایداری شهری، اجتماع محلی، مشارکت جمعی.

۱ Cohousing communities

۲ استاد، گروه جغرافیا جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران ایران.

۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران ایران.

## ۱- مقدمه

رشد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدیدی از رشد شهر، در طی چند دهه اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد. در این میان توجه و تأکید برنامه‌ریزی و طراحی شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده است (Friedman, 1993:482). در جامعه شهری امروز برای دستیابی به توسعه پایدار شهر، محلات، بنیادی‌ترین عناصر شهری و حلقه واسط بین شهر و شهروندان است و از گذشته‌های دور نیز محلات شهرها در سامان‌دهی امور شهری نقش ویژه‌ای داشته‌اند (نجفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). محلات به عنوان عناصر اصلی فضای شهری در توازن حیات اجتماعی شهرها نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. اگر کیفیت زندگی در محلات تغییر یابد، این موضوع بر تمام شهر تأثیرگذار خواهد بود (Moztarzadeh et. al, 2013:67). در واقع توسعه پایدار شهری، بدون ایجاد پایه‌های مبتنی بر شالوده محلات، در نیل به اهداف خود با مشکل مواجه خواهد شد (حنیفی، ۱۳۸۳: ۲۶۹). بنابراین در نظریات و الگوهای نوین طراحی و برنامه‌ریزی شهری نظیر نوشهرسازی، رشد هوشمند شهری، بوم‌شهر و شهر زیست‌پذیر که هدف پایدارسازی سکونت‌گاه‌های شهری و ایجاد محیطی مطلوب و دل‌پذیر برای شهروندان است، محله واحد اصلی برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. محله همزیست نیز، یکی از الگوهای شهرسازی است که گرچه تا کنون بخش کوچکی از سکونت‌گاه‌های شهری را تشکیل داده، اما در کشورهای مختلف جهان مورد اقبال قرار گرفته است. این مفهوم از جوامع آرمان‌گرا، فمینیست و پیش‌صنعتی غرب نشأت گرفته است که جوامع محلی کوچک با به اشتراک گذاری منابع و دارایی‌ها با هم زندگی و به یکدیگر کمک می‌کردند (Leitaert, 2010:578). با رجوع به جامعه آرمانی افلاطون و اتوپیای توماس مور، بر اساس مفاهیم اشتراکی، مفهوم خانه‌های همزیست چندان جدید نیست (Holtzman, 2010:8; Vestbro & Horelli, 2011:3). آنچه جدید است، به‌کارگیری این مفهوم قدیمی در زمینه‌ای جدید و با روشی جدید است که به ساکنان محلات همزیست این اجازه را می‌دهد که نه فقط از ارتباطات اجتماعی وسیع‌تری سود جویند، بلکه یکدیگر

را برای سبک کردن مسئولیت زندگی روزانه یاری کنند (Leitaert, 2010:578). خانه‌های همزیست در ابتدا از دانمارک در نیمه دهه ۱۹۶۰ ریشه گرفت و تقریباً به طور همزمان، ولی به صورت مستقل در سوئد و هلند گسترش یافت و به عنوان یک مدل مسکن شناخته شد. این الگو در آمریکا توسط دو معمار، کاترین مک کامانت و چلز دورت در اوایل دهه ۱۹۸۰ معرفی شد و مفهوم دانمارکی محلات زیست‌پذیر به سرعت منتشر شد (www.cohousing.org). به این ترتیب مدل خانه‌های همزیست با طی زمان و کسب تجربه، رشد کرد و تغییر یافت، به‌گونه‌ای که در مدت طی شده، می‌توان سه موج اصلی را در روند پیدایش آن مشخص کرد.

موج اول؛ دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اروپای شمالی، برای جست‌وجوی گزینه‌های بهتر برای مسکن و حمایت از خانواده کارآمد.

موج دوم؛ دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ در آمریکای شمالی، که کاملاً مردمی بود و با پیشرفت شبکه‌های اجتماعی در اینترنت و بدون مداخله سازمانی، گسترش آنها افزایش یافته است و نیز ادامه دارد.

موج سوم؛ اروپا، آمریکا، حاشیه اقیانوس آرام، استرالیا و آسیای جنوب شرقی که انگاره‌های زیست‌محیطی تقویت شدند (Holtzman, 2010:305; Williams, 2005b:151). (Meltzer, 2001:160).

جنبش محلات همزیست، اکنون در سراسر جهان در حال گسترش است. در سوئد و هلند به عنوان خانه‌های اجتماعی و گزینه‌های مسکن سالمندان دایر می‌شود. در ایالات متحده و سایر کشورهای جهان خرید و فروش خانه‌های مجاور خیابان‌های اصلی تحت تأثیر محلات همزیست قرار گرفته است (Holtzman, 2012:3). گرچه مدل خانه همزیست احتمالاً همچنان نسبت کوچکی از مسکن، در کشورهای مختلف را تشکیل خواهد داد، اما ظرفیت بزرگی برای تأثیرگذاری بر موضوع مسکن، همسایگی و به‌طور عام طراحی شهری دارد (Bamford & Lennon, 2008:2). برخی از پژوهشگران بررسی ابعاد مختلف آن را دست‌مایه تحقیق قرار داده‌اند، که از آن جمله می‌توان به مقالاتی در مورد تأثیر محلات همزیست در زندگی مطلوب‌تر سالمندان (Abraham & DeLaGrange, 2006; Glass & VanderPlaats, 2013) و افراد تنها (Widener, 2010)، تأثیر آن بر روابط محلی

بازتعریف محله، با تأکید بر شرایط محلات ایران، آن را به این صورت تعریف کرده‌اند: محدوده یک پارچه فضایی از شهر، با مرزهای کالبدی بنا بر درک ذهنی و یا نشانه عینی برای ساکنانی که تعلق مکانی و همبستگی اجتماعی در آن احساس کنند. تعیین کننده مقیاس این محدوده، امکان شناخت رو در رو و پاسخ‌گویی به نیازهای روزمره، در حد پیاده‌روی است. پس در مطالعه و شناخت محله باید به چهار عامل توجه داشت:

الف) مرزهای کالبدی و نمادی

ب) پیوندهای اجتماعی

پ) تسهیلات و خدمات محلی

ت) هویت و احساس تعلق نسبت به مکان زندگی.

## ۱-۲- محله پایدار و شاخص‌های آن

محله پایدار، سکونت‌گاه متوازن و نسبتاً خودکفایی است که یک فضای زیستی سالم، دل‌پذیر و توأم با آسایش برای ساکنین خود فراهم کند و تا حد امکان نیازهای زیستی و اجتماعی ساکنان را برآورده نماید، آن‌چنان‌که در نتیجه این توازن، ساکنان به ادامه سکونت در آن تمایل و در صورت ترک آن خاطره و تعلق داشته باشند (حبیبیان و سالاری مقدم، ۱۳۹۲: ۴).

در کنفرانس بین‌المللی بریستول در سال ۲۰۰۵، برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا، زمینه‌ها و اصول کلیدی مشترکی جهت ایجاد و ارتقاء محلات پایدار ارائه شده که شامل رشد اقتصادی و خودکفایی، عدالت اجتماعی، هویت غنی و رفع تبعیض گروهی، قومی و نژادی است (حسن‌پور و ملکی، ۱۳۹۰: ۳). عزیزی (۱۳۸۵) نیز در مقیاس خرد معیارهای ارزیابی پایداری محله را شامل هویت، سرزندگی، پویایی، سازگاری، تنوع، دسترسی، تراکم و ظرفیت قابل تحمل محله ذکر می‌کند.

## ۲- روش تحقیق

روش تحقیق به‌کار رفته مروری و با تکیه بر توصیف و تحلیل است. با توجه به بدیع بودن معرفی این موضوع، جهت جمع‌آوری اطلاعات از دو دسته منابع اسنادی شامل مقالات، پایگاه‌های الکترونیکی محلات همزیست و مصاحبه‌های موجود با ساکنان این محلات که به‌طور مستقیم به معرفی این پدیده و اجزاء پرداخته‌اند و نیز منابع و مقالاتی که وجوه خاصی از مختصات این مدل یا حوزه جغرافیایی خاصی را به‌صورت عمیق‌تر بررسی

و پشتیبانی از محیط طبیعی (Sanguinetti, 2014)، وضعیت شاخص‌های پایداری در این محلات (Williams, 2008; Marckmann et al., 2012) و بررسی ساختارهای احتمالی آتی این مدل از اجتماع محلی (Williams, 2008) اشاره نمود.

از آن‌جا که این شیوه از سکونت بر تعامل اجتماعی، استفاده از فضاهای جمعی و تصمیم‌گیری‌های مشترک و حفاظت محیط طبیعی در محله تأکید دارد، به نظر می‌رسد اساس ایده آن تازه نیست، ولی با ساختارهای جدید برای حل مسایلی نظیر حومه‌نشینی‌های انفرادی یا بیگانگی و جدایی شهرنشینان، پیشنهاد شده است. مواردی نیز نظیر مالکیت خصوصی، حفظ فضاهای شخصی، زندگی با نشاط برای کودکان و سالمندان نیز در آن مد نظر قرار گرفته است و در صورتی که با الگوهای فرهنگی در جامعه تطبیق داده شود، می‌تواند در قالب طرحی بومی مورد استفاده قرار گیرد. این مدل، الگویی از سکونت‌گاه مبتنی بر اجتماعات محلی ارائه می‌کند که با مؤلفه‌های پایداری مطابقت دارد. لذا این مقاله با هدف معرفی ساختار محلات همزیست و مؤلفه‌های پایداری این شیوه سکونت‌گاهی، ضمن معرفی کلی، ویژگی‌های اساسی آن را که موجب دستیابی به پایداری شهری می‌گردد، مرور می‌کند.

## ۱-۱- تعاریف و مفاهیم

### ۱-۱-۱- محله

محله رکن اصلی کالبد شهری (مضطرزاده و حجتی، ۱۳۹۱: ۷۲)، از نظر شهرگرایان جدید رکن اصلی سازمان‌دهی در شهرسازی (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۰) و کوچکترین واحد شهری، جهت تحقق مدیریت مشارکتی و دستیابی به مدیریت پایدار شهری است.

در ادبیات جهانی تعاریف زیاد و متنوعی برای محله ارائه شده است. اصطلاح محله غالباً به یک محدوده جغرافیایی از شهر اطلاق می‌شود، که گروهی از شهروندان را در خود جای می‌دهد و از پاره‌های جهات از سایر قسمت‌های شهر متمایز است (عبدی و مهدی‌زادگان، ۱۳۸۹: ۲۹۴). شکویی (۱۳۷۲: ۴۸) محله را ناشی از تجمع، پیوستگی، معاشرت، روابط همسایگی و اتحاد رسمی میان گروهی می‌داند، که تشکیل واحدی به‌نام محله را می‌دهد. عبداللهی و همکاران (۱۳۸۹: ۱۰۰) نیز در تلاش برای

می‌کنند، استفاده شده است.

## ۲-۱- مفهوم محلات همزیست

اصطلاح خانه‌های همزیست (Cohousing) از عبارت دانمارکی «Bofaellskalaer» به معنی زندگی با یکدیگر ترجمه شده و برای نخستین بار در سال ۱۹۸۸ در کتاب "خانه‌های همزیست، راه حل امروز برای محل سکونت ما" دو معمار آمریکایی معرفی شد (McCament & Durrett, 1988) که در زمان زندگی و تحصیل معماری در دانمارک با مفهوم خانه‌های همزیست آشنا شده بودند. همان گونه که گفته شد پیش‌گام الگوی محله همزیست در دهه ۱۹۶۰، گروهی از والدین شاغل در دانمارک بودند که دریافتند، اگر برخی از وظایف خانواده خود را در محله به صورت جمعی انجام دهند، وقت خیلی بیشتری برای روابط اجتماعی خواهند داشت و می‌توانند وقت بیشتری با کودکان خود داشته باشند و نیز هزینه‌های زندگی خود را کاهش دهند (Holtzman, 2010:9-10).

محله همزیست نوعی از اجتماع محلی<sup>۱</sup> آگاهانه است که گروهی از مردم مستقلاً یا با مشارکت سازنده، ایجاد محلاتی بر اساس همیاری را طرح‌ریزی و سازماندهی می‌کنند که روش پیشنهادی آن زندگی بر اساس احترام متقابل برای یکدیگر و محیط است (Holtzman, 2012:1). در ضمن افراد و خانواده‌هایی را که می‌خواهند با هم و با ارزش‌ها، آگاهی‌ها و فعالیت‌های مشترک زندگی کنند راه‌گرد هم می‌آورد (Sargisson, 2012:41-42). لیتاثر<sup>۲</sup> (۲۰۱۰: ۵۷۷-۵۷۸) این مدل را بالا بردن سطح استاندارد زندگی بدون راه‌حل‌های تجاری در جوامع لیبرال می‌داند و معتقد است محلات همزیست پاسخی به فردگرایی شدید (با تغییر رفتار از فردی به گروهی)، مشکلات جامعه شهری و نشانه موفقیت خانوارها برای دستیابی به نیازهای واقعیشان است، هرچند ارزش‌های کسب شده در آن، برای جامعه تجاری قابل توجه نیست. از دید او نکته جالب مدل مذکور این است که هیچ چیز در چنین مکانی خشک و اجباری نیست. همه چیز بسته به توان و خواسته‌های ساکنان است. در مدل محله همزیست، ساکنان، خانه‌های شخصی یا اجاره‌ای خود را دارند، ولی در ضمن در مالکیت فضاها و خانه‌های جمعی

که فعالیت‌های جمعی در آن انجام می‌شود، اشتراک دارند. در این مدل گرچه مشارکت محلی تقویت می‌شود، اما میزان مشارکت ساکنان در محله خود کاملاً داوطلبانه است (Holtzman, 2010:9-10). این مدل وابسته به ایدئولوژی خاصی نیست و روند پیشرفت آن می‌تواند در جنبش‌هایی که ارزش‌های آن را تعریف می‌کند، قابل مشاهده باشد.

مک‌کامانت و همکارانش (۲۰۰۵) خانه‌های همزیست را «نوعی از مسکن جمعی<sup>۳</sup>» می‌دانند و در تحقیق اخیر خود شش ویژگی عمومی برای آن ذکر می‌کنند: مشارکت ساکنان در برنامه‌ریزی محله همزیست و طراحی فیزیکی، طراحی با محوریت تماس اجتماعی<sup>۴</sup>، تسهیلات جمعی گسترده، اداره محله توسط خود ساکنان و تصمیم‌های گروهی، ساختار غیر سلسله‌مراتبی، پرهیز از اقتصاد اشتراکی (McCament & Durrett, 2011:25-30).

## ۲-۲- طراحی کالبدی محله همزیست

### ۲-۲-۱- طراحی بر اساس تماس اجتماعی

اولین و اساسی‌ترین اصل در طراحی محلات همزیست، طراحی با محوریت تماس اجتماعی (SCD) است. محله همزیست، متشکل از واحدهای مسکونی شخصی (که خانوارها در آن ساکن هستند) و تسهیلات جمعی است که بر اساس اصول طراحی با محوریت تماس اجتماعی بنا می‌شود. این روش موجب تعامل بیشتر می‌شود و به ایجاد اجتماعات محلی منسجم‌تر کمک می‌کند. این اصول عبارت از: تدارک تسهیلات جمعی در فضاهای بسته و باز، اشراف چشمی مناسب به همه فضاهای جمعی، پارک خودروها در خارج از محله (اصطلاحاً محلات بدون خودرو)، انتقال تدریجی بین فضاهای عمومی و خصوصی، با تدارک فضاهای باز نیمه‌خصوصی نزدیک به واحدهای مسکونی شخصی، برای برقراری روابط اجتماعی و جا‌نمایی هدفمند تسهیلات کلیدی و نقاط دسترسی نسبت به پیاده راه‌هاست.

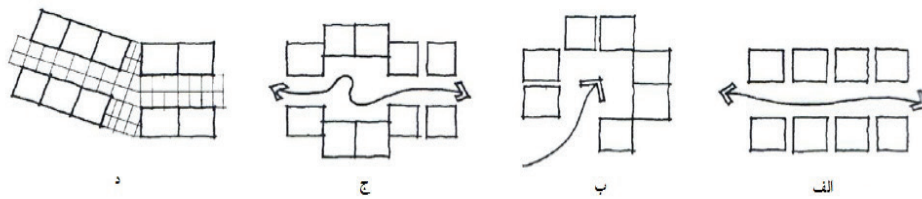
به‌طور کلی خانه‌های شخصی از نظر مساحت کوچکتر می‌شوند، ولی کم‌شدن فضا در واحدهای شخصی با تدارک تسهیلات جمعی پشتیبانی می‌شود. تسهیلات جمعی برای فعالیت‌هایی فراهم می‌شود که تکرارپذیری آنها در

۳ Collective Housing

۴ Social Contact Design (SCD)

۱ Community

۲ Lietaert



شکل شماره ۱- گونه های متداول طراحی محلات همزیست؛ الف) پیاده راه ب) حیاط مرکزی ج) تلفیق حیاط و پیاده راه د) تک ساختمان با خیابان سرپوشیده شیشه‌ای (مأخذ: Holtzman, 2010: 21)

زیرساخت‌های این محله‌هاست (Holtzman, 2010: 21). از آنجا که انعطاف‌پذیری در محلات همزیست یک اصل مهم است، با لحاظ اصول کلی از نظر اندازه،



تصاویر ۱، ۲ و ۳- محلات همزیست به شیوه مجتمع و غیر مجتمع

(مأخذ: citytank.org, commons.wikimedia.org, Houstontomorrow.org)

خانواده‌ها کمتر است و می‌تواند یک جا جمع شود، در حالی که واحدهای شخصی فضای کافی برای فعالیت‌های روزانه فراهم می‌کند (Williams, 2008: 269-270).

واحدهای همسایگی خانه‌های محله همزیست، از نظر اندازه متفاوت هستند، معمولاً شامل ۱۲ تا ۳۶ خانوار، با جمعیت بهینه حداقل ۵۰ بزرگسال در سنین مختلف به همراه کودکان هستند. تمرکز برنامه‌ریزی بر روی مردم ساکن در محله است؛ اتومبیل‌ها در حاشیه محله پارک می‌شوند و طراحی کالبدی، به‌طور هم‌زمان، هم روابط اجتماعی و هم فضاهای شخصی را تقویت می‌کند (Holtzman, 2012: 2). خانه‌های شخصی همه اجزاء خانه‌های معمول را دارند اما در عین حال این ساکنان به تسهیلات اشتراکی زیاد نظیر فضاهای باز، حیاط، زمین بازی و یک خانه جمعی<sup>۱</sup> دسترسی دارند.

بدون توجه به اندازه محله، از طریق نوع طراحی و تسهیلات جمعی فرصت‌های زیادی برای ملاقات‌های روزمره بین همسایه‌ها فراهم می‌شود و در کنار آن اجتماعات برنامه‌ریزی شده مثل جشن‌ها، گردهمایی‌ها و ملاقات‌های کاری نیز برقرار می‌شود. خانه جمعی مرکز اجتماعی محله است (www.cohousing.org) و عموماً شامل آشپزخانه عمومی، محل غذاخوری، محل نشستن، اتاق بازی بچه و رختشوی‌خانه است و شاید کارگاه، کتابخانه، اتاق ورزش، اتاق ابزار و یک یا دو اتاق مهمان داشته باشد. بجز سایت‌های شهری خیلی فشرده، محله همزیست، غالباً وسایل و زمین بازی، زمین چمن و باغ نیز دارد (www.livewellcohousing.ca). طراحی براساس اصول پایداری محیط، بازچرخ آب، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و استفاده از انرژی خورشیدی فعال و غیرفعال، از جمله تلاش‌هایی است که در جهت رسیدن به طراحی مطلوب دوست‌دار محیط زیست در

طراحی کالبدی و نحوه ساخت در نقاط مختلف بسیار متفاوت هستند. شکل شماره ۱ انواع مختلف طراحی محلات همزیست را نشان می‌دهد، که گروه‌های سازنده می‌توانند بسته به اهداف، سلیقه و ویژگی‌های سایتی که در آن ساخت‌وساز انجام می‌دهند طرح کلی را انتخاب و در آن تعدیل‌هایی به وجود آورند.

محلات همزیست از نظر تراکم و همچنین اتصال یا انفصال واحدهای مسکونی هم دارای تنوع هستند. یکی از شیوه‌های متداول در محلات همزیست، ساخت خانه‌ها به صورت مجتمع<sup>۱</sup> است. این موضوع موجب کاهش هزینه‌های انرژی گرمایشی و سرمایشی و صرفه‌جویی در مصالح می‌شود و ردپای اکولوژیک کمتری به ازای هر خانوار ایجاد می‌شود. همچنین فضای باز بیشتری در محله برای فعالیت جمعی باقی می‌ماند و تسهیلات جمعی بیشتری نیز برای ساکنان فراهم می‌شود. مطالعه‌ای در مورد محله‌ای همزیست، در سال ۲۰۰۵ در آمریکا نشان داد ۳۱٪ در فضا، ۵۷٪ در مصرف برق و ۸٪ در مصرف مصالح صرفه‌جویی می‌شود (Williams, 2008: 273).

علاوه بر محلات نوساز، نوع دیگری از ساخت محلات همزیست با عنوان محلات بازسازی شده<sup>۲</sup> وجود دارد. در محله بازسازی شده، اصول محله همزیست بر روی واحدهای همسایگی موجود پیاده می‌شود. اصل کلیدی در آن ایجاد ساختارهای اجتماعی جدید است که زمینه‌ساز تماس‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی بیشتر و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی است. این سبک زندگی مبتنی بر همکاری بیشتر است. با تغییرات فیزیکی اندکی در طرح واحد همسایگی (برای مثال حذف پرچین‌ها، تغییرات جهت ورودی ساختمان‌ها، بسته‌شدن راه‌ها و تغییر در واحدهای مسکونی) دسترسی و اشراف چشمی به تسهیلات و فضای عمومی افزایش و تسهیلات جمعی بیشتری برای ساکنان فراهم می‌شود (Ibid: 271).

#### ۲-۲-۲- الگوهای مدیریت فرآیند ساخت محلات همزیست

فرآیند مشارکت در محلات همزیست، قبل از شکل‌گیری محله آغاز می‌شود و میزان و مراحل آن بسته به الگویی که برای فرآیند ساخت‌وساز (شامل انتخاب و به‌کارگیری سازنده، اقدامات ساخت محله و مدیریت محله پس

از ساخت) انتخاب می‌شود، متفاوت است. در همه محلات همزیست، ساکنان تا حدودی در مراحل سه‌گانه این فرآیند درگیر می‌شوند. برای محلات نوساز، میزانی که ساکنان درگیر فرآیند می‌شوند، بستگی به الگوی فرآیند ساخت دارد. مثلاً در ایالات متحده سه مدل سکنه‌محور، مشارکتی و سرمایه‌گذارمحور قابل تفکیک است. در الگوی سکنه‌محور (دیدگاه متکی بر اجتماع محلی<sup>۳</sup>) ساکنان، پیمان‌کارانی را برای طراحی و ساخت استخدام می‌کنند ولی خودشان سرمایه‌گذاری، هزینه‌های جاری و ریسک‌های مربوط به پروژه را برعهده می‌گیرند. طبیعتاً این مدل به دلایلی نظیر مشارکت مالی و زمانی، ریسک مالی و مشکلات سرمایه‌گذاری، نیاز به مدیریت و تخصص فنی زیاد و مشکلات رقابتی تملک محل، در میان سازندگان محدودیت‌هایی دارد. به همین دلیل الگوهای دیگری مثل الگوی مشارکتی و الگوی سرمایه‌گذار محور از طریق دخیل کردن سازنده در این فرآیند ایجاد شده است. در الگوی مشارکتی، ساکنان و سازندگان با هم برای ساخت محله کار می‌کنند. در الگوی سرمایه‌گذار محور (بالا به پایین<sup>۴</sup>) ساکنان فقط در ارزیابی ساخت محله مداخله می‌کنند و سازندگان مسئول فرآیند ساخت هستند. سرمایه‌گذاری به صورت مشارکتی انجام می‌شود و در نتیجه مشکلات، ریسک‌ها و منابع مالی که در مدل سکنه‌محور وجود دارد، برطرف می‌شود. گرچه دیدگاه سرمایه‌گذارمحور ممکن است به دلیل مشارکت ضعیف ساکنان در فرآیند ساخت محله، مشکلات بعدی در زمینه انسجام اجتماعی محله همزیست را در پی داشته باشد (Ibid: 270-271).

۲-۲-۳- ویژگی‌های اجتماعی و مدیریتی محله همزیست عمده‌ترین تفاوت این محله‌ها با سایر انواع مدل‌های سکونتی وجوه اجتماعی و مدیریتی آنهاست که در نیاز و هدفی که موجب شکل‌گیری این مدل شده است ریشه دارد. همکاری و مشارکت سرلوحه تمام مناسبات در محلات همزیست است. در مدل محلات همزیست مشارکت ساکنان در یک ساختار مدیریتی بدون سلسله مراتب، تقویت تصمیم‌گیری جمعی با تمرکز بر ایجاد، حفظ و تقویت روابط معنی‌دار بین همسایه‌ها و احساس تعلق آنها مد نظر قرار می‌گیرد (Holtzman, 2012: 2).

به دلیل اینکه همسایه‌ها متعهد به ارتباط با یکدیگر هستند، تقریباً تمام محلات همزیست بر اساس تصمیم‌گیری گروهی توافق دارند. به‌طور طبیعی در محلات همزیست نیز، نقش‌های رهبری هدایت وجود دارد، اما به هر حال در این محلات، یک یا چند نفر اختیاری بیش از دیگران ندارند. وقتی اعضاء به گروه‌های تصمیم‌گیری و مدیریت می‌پیوندند، هر کدام یک نقش یا بیشتر در ارتباط با مهارت‌ها و توانایی‌ها یا تمایلات خود می‌پذیرند. اغلب گروه‌های همزیست تمام تصمیمات خود را با اجماع می‌گیرند و اگر گروه نتواند بعد از یک یا چند بار تلاش به اجماع دست پیدا کند، راهبرد رأی‌گیری را اتخاذ می‌کنند.

در این ساختار، استقلال در تصمیم‌گیری در زمینه درآمدها و هزینه‌های شخصی، به ساکنان اجازه حفظ حریم اقتصادی شخصی در جامعه محلی را می‌دهد. معمولاً مبالغی برای هزینه‌های مشترک محله در نظر گرفته می‌شود و حداکثر حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد درآمد ساکنین به فعالیت‌های محله اختصاص می‌یابد که



شکل ۴ و ۵- فضاهای عمومی و جمعی در محلات همزیست

(مأخذ: [www.nccoho.org](http://www.nccoho.org))

بدون توجه به نوع الگویی که برای فرآیند ساخت اتخاذ می‌شود، ساکنین همیشه در اداره کردن (یعنی مدیریت و نگهداری محله همزیست وقتی که تکمیل شد) درگیر می‌شوند. آنها در مدیریت و نگهداری فضاهای عمومی بسته و باز، آماده کردن وعده‌های غذایی جمعی (دو تا سه بار در هفته در محل خانه جمعی)، سامان‌دهی وقایع اجتماعی در محله و رابطه با اجتماعات محلی بزرگتر دخیل می‌شوند. ساکنان فعالیت‌های منظم (مثلاً فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، رویدادهای فرهنگی، کلاس‌های ورزشی و غیره) را در فضاهای جمعی سازماندهی می‌کنند. نهایتاً ساکنان محلات همزیست سبک زندگی مبتنی بر همیاری را می‌پذیرند، که به این معناست که عملکرد ساکنان همراه با وابستگی متقابل است. آنها به‌صورت غیر رسمی (مثلاً کمک در جابه‌جایی وسایل، مراقبت از کودکان، حمایت از افراد با توانایی کمتر، تبادل مهارت و کالا و غیره) و به‌صورت رسمی (در کمیته‌های مختلف که برای سازمان‌دهی، نگهداری محله و رویدادهای اجتماعی تشکیل می‌شود) از یکدیگر حمایت می‌کنند. این امر ساکنان را قادر می‌سازد، تا به‌صورت مستقل در یک جامعه محلی منسجم زندگی کنند که حمایت، ایمنی، امنیت و نیز فرصت‌هایی برای اجتماعی شدن و به اشتراک گذاری منابع را عرضه می‌کند که خیلی همسو با دیدگاه‌های آرمان‌گرایانه‌تر در محلات سنتی است (Williams, 2008: 271). این مداخله در مدیریت، حس ایمنی کالبدی را تقویت می‌کند تا آن‌جا که شبکه‌های همسایگی، تحت مراقبت چشمی ساکنان قرار می‌گیرند. همچنین در این ساختار، مراقبت از کودکان تقویت می‌شود و از جوانترها در این زمینه کمک گرفته می‌شود، علاوه بر اینکه ساختارهای کالبدی این موضوع را تقویت و حمایت می‌کند (Holtzman, 2012: 2). در یک محله همزیست، ساکنان می‌دانند چه کسی چند خانه پایین‌تر زندگی می‌کند زیرا با هم وعده‌های غذایی مشترک دارند و تصمیم می‌گیرند که چگونه بدهی سازندگان را بپردازند.

آنها به تدریج به یکدیگر اعتماد می‌کنند، تا آنجا که کودک خردسال خود را نزد یکدیگر تنها بگذارند. ساکنان به آنچه دیگران می‌گویند، حتی اگر در ابتدا با آن موافق نباشند، گوش می‌دهند و کم‌کم حس می‌کنند که خود نیز شنیده می‌شوند ([www.cohousing.org](http://www.cohousing.org)).

موجب فراهم شدن خدمات جمعی گسترده‌ای می‌شود که خانه‌های جمعی یکی از آنهاست و در واقع قلب محله است (Holtzman, 2010:9).

رفتارهای دوست‌دار محیط زیست یکی دیگر از ویژگی‌های این شیوه از سکونت است. به‌ویژه در آمریکای شمالی تمرکزهای زیست‌محیطی در این مدل چشم‌گیر است. آماده‌سازی سایت و ساخت محله بر اساس اصول ساخت‌وساز سبز انجام می‌شود و محلات همزیست خود را با ارزش‌هایی که پایداری را تقویت می‌کند، معرفی می‌کنند (Sargisson, 2010:5-6; Williams, 2005a:202). ترکیب شبکه‌های اجتماعی و تسهیلات جمعی در این محلات و همچنین انتقال مفاهیم و رفتارهای دوست‌دار محیط زیست منجر به تولید هنجارهای اجتماعی و در نتیجه موجب پایین آمدن قابل توجه مصرف (انرژی، زمین و کالاهای) و زباله در محلات همزیست می‌شود. مواردی نظیر افزایش طرح‌های بازچرخ مواد و خودروهای اشتراکی نیز در این محلات مورد توجه قرار می‌گیرد (Williams, 2005b; Fromm, 1991; Meltzer, 2001). اعضای محله معمولاً اهدافی مانند اشتراک منابع، تنوع و ایمنی را اتخاذ می‌کنند و در راه رسیدن به این اهداف با هم همکاری می‌کنند (Sargisson, 2010:9). این اهداف معمولاً در وبسایت اختصاصی محله همزیست به عنوان نماد و معرفی کننده هر محله به صورت مشخص درج شده است.

مک کامانت و دورت در کتاب خود مهم‌ترین ویژگی‌های این مدل را فرآیند مشارکتی، طراحی آگاهانه واحدهای همسایگی، خدمات جمعی، مدیریت همه‌جانبه ساکنان، باهم بودن از طریق روابط اجتماعی، حمایت از یکدیگر در شرایط نامساعد و آگاهی بخشی در مورد دغدغه‌های زیست‌محیطی عنوان نموده‌اند. گرچه این اصول منحصر به مدل همزیست نیست و می‌تواند مشخصه همه انواع اجتماعات محلی آگاهانه باشد، اما هولتزمن معتقد است سه ویژگی به‌ویژه محلات همزیست را از دیگر اجتماعات محلی آگاهانه متمایز می‌کند که عبارت از ساختار غیر سلسله‌مراتبی، مالکیت جمعی منابع اشتراکی و درآمدهای شخصی است (Holtzman, 2010:10).

البته یکی دیگر از برتری‌های کلیدی محلات همزیست انعطاف‌پذیری زیاد آنهاست که ناشی از این است که

این محله‌ها بر اساس نیازها و ظرفیت‌هایی پایه‌گذاری می‌شوند که مربوط به مسکن است. این مدل می‌تواند با خانه‌های اجتماعی<sup>۱</sup>، خانه‌های سالمندان<sup>۲</sup>، خانه‌های همیار<sup>۳</sup> و نیز زمین‌های مسکونی مجموعه‌های بوم‌ده<sup>۴</sup> تطبیق پیدا کند (Bamford&Lennon, 2008:2).

### ۳- یافته‌های پژوهش

#### ۳-۱- الگوهای پایداری در محلات همزیست

توماس و بلانچارد<sup>۵</sup> (۲۰۰۹: ۱۵) معتقدند محلات همزیست نوعی محیط اجتماعی محلی را فراهم می‌آورند که زمینه رشد موفق را با ویژگی‌هایی نظیر پایداری، شمول اجتماعی، سلامت، دسترسی، وابستگی متقابل اعضا، اجتماع و تعلق اجتماعی فراهم می‌کند. مارکوس و داوی<sup>۶</sup> (۱۹۹۱: ۱۱۲) نیز محلات همزیست را گزینه‌ای با کیفیت بالا و بسیار پایدار برای انتخاب مسکن می‌دانند. در واقع به نظر می‌رسد برخی اهداف پایداری در این محلات از طریق شبکه‌های اجتماعی قوی، انسجام اجتماعی، رفتار دوست‌دار محیط زیست و حس سلامتی بیشتر در بین ساکنان محقق می‌شود (Williams, 2005)، که این موضوعات از طریق پژوهش‌های تجربی در محلات همزیست مشخص شده است. البته شمول و عدم شمول اجتماعی، عاملی است که در برخی موارد و انواع خاصی از محلات همزیست با معیارهای پایداری همخوانی ندارد اما در بسیاری موارد نیز به نقطه قوت بدل می‌شود. به‌طور کلی شواهد ارائه شده از پژوهش‌ها ادعای مارکوس و داوی را تقویت می‌کند که محلات همزیست را شکل پایداری از سکونت‌گاه معرفی می‌کنند، به‌ویژه اگر شمول اجتماعی، به شیوه‌های توصیف شده محقق شود. مهم‌ترین ویژگی‌های منطبق با مؤلفه‌های توسعه پایدار در این نوع محلاتی در جدول ۱ جمع‌بندی شده است.

#### ۳-۲- تطبیق پذیری الگو در ایران

همان‌گونه که گفته شد محله همزیست الگویی از واحد

۱ Social Houses

۲ Senior Houses

۳ Cooperative Houses

۴ Eco Village

۵ Thomas & Blanchard

۶ Marcus & Dovey





ایجاد فضای جمعی تحت مدیریت ساکنان وجود ندارد. وجود فضاهای نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی در محلات نظیر بن‌بست و میدانچه، مدیریت جمعی محله به ویژه با محوریت مساجد و تکایا، مدیریت مردمی هیات‌های مذهبی و فعالیت‌های اجتماعی، اجتماع گروه‌های خاص نظیر گروه‌های مذهبی، قومیت‌ها، طوایف و هم‌شهری‌ها و هم‌ولایتی‌ها در یک محله یا بخشی از آن و مدیریت اشتراکی فضاهای عمومی نظیر مسجد، حسینیه، آب انبار، و فضاهای موقوفه نیز از جمله تشابهات محلاتی سنتی ایران در وجوه اجتماعی با این الگو است. اما همان گونه که گفته شد مسأله حریمیت و درون‌گرایی منازل در ایران یک تفاوت عمده با این الگو ایجاد می‌کند که برخی از اصول آن کاملاً در تقابل با طراحی بر اساس تماس اجتماعی (SCD) است، که در محلاتی همزیست مورد توجه است و لازم است این موضوع در بررسی‌های تطبیقی مورد توجه قرار گیرد. در شرایط کنونی ایران، به‌ویژه در شهرهایی که بافت قدیمی و سنتی خود را حفظ کرده‌اند و نیز برخی شهرهای تازه تأسیس که از روستا به شهر تبدیل شده‌اند، می‌توان تشابهاتی با الگوی محلات همزیست، به‌ویژه در وجوه اجتماعی یافت. در شهرهای کنونی و به‌طور خاص شهرهای پرجمعیت چنانچه تمایل به برنامه‌ریزی جهت ایجاد واحدهای مشابه با لحاظ نمودن الگوهای فرهنگی کشور وجود داشته باشد، به‌نظر می‌رسد لازم است محلاتی با الگوگیری از عناصر شهرسازی سنتی و اسلامی و تلفیق با ویژگی‌های موفق مدل محلاتی همزیست احداث، یا محلاتی موجود با شرایط کالبدی متناسب بر اساس موارد مذکور بازسازی شوند. ساختارهایی نظیر سرای محله یا فرهنگ‌سرا می‌توانند در کنار مساجد و حسینیه‌ها مراکز اجتماعی قوی برای اجتماع مردم، جلب مشارکت در مدیریت محله و خدمات دهنده به ساکنان باشند. اما باید توجه داشت انسجام اجتماعی موجود در محلاتی همزیست کاملاً وابسته به محدودیت در تعداد ساکنین در محله است و لذا بهترین مقیاس برای برنامه‌ریزی آن واحد، همسایگی است که عملاً بخشی از یک محله را در بر می‌گیرد. بررسی میدانی در شهرهای تازه تأسیس و نیز برخی دیگر از روستاهای استان‌های شمالی که وجه روستاشهری آنها غالب است، تشابهاتی با این الگو نشان می‌دهد.

همسایگی است که در اروپای غربی ایجاد شد و اکنون در سایر نقاط جهان در حال گسترش و تطبیق است. این الگو تا کنون در ایران معرفی و استفاده نشده است و برخی از وجوه آن با شرایط فرهنگی اجتماعی کشور ما سنخیت کامل ندارد. اما در بررسی اجزاء، به راحتی قابل درک است که بسیاری جنبه‌های آن که پایداری محیط را در پی دارد در محلات سنتی ایران قابل تشخیص است که در شهرهای کوچک هنوز می‌توان آثاری از آن مشاهده کرد.

در شهرسازی سنتی ایران محله به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی-اقتصادی جامعه، از انسجام و همگنی خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر یک تشکل اجتماعی است که عناصر اصلی تشکیل دهنده آن عبارتند از: خانه‌های مسکونی، مسجد، میدان و میدانچه، بازار و بازارچه، گذر و کوچه. واحدهای محله‌ای به دلیل اندازه خود می‌توانند موجبات مشارکت در شکل دادن به محیط خود را فراهم آورند (لطیفی و صفری چاپک، ۱۳۹۲: ۶). هر محله یک شهر کوچک با تمام خدمات مثل مسجد، حمام، نانوايي، بازارچه و بازار بوده و عناصر و سازمان یافتگی مشابه کل شهر داشته‌است (شیخی، ۱۳۸۲: ۴۱). وجه قوی اجتماعی محلات سنتی ایران مشابهت زیادی با ساختار محلات همزیست ایجاد می‌کند. البته در محلاتی ایران عنصر حریمیت که از الزامات دین اسلام است، ضرورت لحاظ تفکیک جنسیتی را در مراسم و گردهمایی‌های جمعی شکل می‌دهد.

در شهر سنتی ایران، هر محله دارای مرکزی بوده که بنا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان، شکل می‌گرفته است. مراکز محله علاوه بر تأکید بر عدالت و برابری در دست‌یابی به خدمات، سبب ایجاد حس تعلق به مکان و پایداری اجتماعی می‌شوند. با حضور مردم و ریش‌سفیدان محل در مرکز محله، چارچوب‌های اخلاقی خاص هر محله شکل گرفته و بر حس جمع‌گرایی تأکید می‌گردید (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۴). مرکز محله، حس مکان و مرکزیت را تقویت می‌کرد. این شکل در فضاهای عمومی محلاتی همزیست قابل تطبیق است، با این تفاوت که تفریحات به‌ویژه به‌صورت خانوادگی در فضای روباز در فضای محلاتی سنتی جایی نداشته که اکنون برای رفع این نیاز پارک‌ها و فضای سبز ایجاد شده است، اما در مقیاس واحد همسایگی موارد مشابهی برای

با تلقیق ویژگی‌های پایداری محلات همزیست بر اساس تحقیقات تجربی و ویژگی‌های شهرسازی سنتی ایران، جدول شماره ۱ مجموع عواملی که در این دو الگو می‌تواند مبنای طراحی محلات پایدار در کشور قرار گیرد را نشان می‌دهد.

هزینه‌ها، ایجاد محیط زیست سالمتر و دست کم ردپای اکولوژیک الگویی در جهت دستیابی توسعه پایدار است. همچنین بررسی تطبیقی این الگو با شرایط کشور نشان می‌دهد هرچند این الگو به صورت غربی خود وارد کشور نشده است، اما زندگی اجتماعی در محلات قدیمی کشور

عوامل	ویژگی محله همزیست	ویژگی محله سنتی در ایران
تقویت شبکه‌های اجتماعی و انسجام اجتماعی	طراحی بر اساس تماس اجتماعی، مداخله ساکنین در تصمیم‌گیری و ساخت محله ساختار اجتماعی غیر سلسله مراتبی، فعالیت‌های اجتماعی رسمی شده و اهداف و هنجارهای عمومی در محله	بن‌بست‌ها و معابر نیمه عمومی، وجود فضاهای اجتماع و پاتوق‌ها نظیر بن‌بست، میدانچه، مسجد، حسینیه، تکیه تصمیم‌گیری بر اساس اجماع در محله، پای‌بندی به هنجارهای عمومی و توصیه‌های مذهبی
تقویت رفتارهای دوست‌دار محیط زیست و مصرف منابع کمتر توسط ساکنین	رفتارهای دوست‌دار محیط زیست، سطوح بالای سرمایه اجتماعی تقویت‌کننده رفتارهای زیست‌محیطی، صرفه جویی در منابع از طریق به اشتراک‌گذاری	استفاده از مصالح بوم‌آورد، استفاده از اصول معماری سنتی که سازگار با شرایط بومی و تعدیل‌کننده شرایط اقلیمی است. حفاظت از محیط و منابع بر اساس دستورهای دینی
ایجاد حس سلامت در ساکنین	رسیدن به حس سلامت، مزایای اجتماعی (جامعه‌پذیری، اشتراک‌گذاری منابع و تخصص و امور روزانه، امنیت، ایمنی، تعلق با افراد همسو) مزایای اقتصادی (صرفه‌جویی به دلیل تسهیلات، وسایل و کالاهای اشتراکی و کاهش برخی هزینه‌ها، ارزش افزوده محله) مزایای سلامتی (غذای اشتراکی سالم، کمک به افراد ناتوان برای زندگی مستقل، مزایای اجتماع‌پذیری برای سلامت روانی ساکنین)	مزایای اجتماعی شامل کمک بر اساس توان و تخصص فعالیت‌های خیریه و رسیدگی به نیازمندان، کمک به افراد ناتوان، تقویت هویت و حس تعلق به محله، پویایی محله و در نتیجه شادابی و سلامت روان
شمول و عدم شمول اجتماعی محله	همگن بودن به ویژه در مورد قومیت، مذهب، درآمد و سواد (ضمن مزایایی که دارد در برخی موارد عدم شمول را نیز تقویت می‌کند)، هزینه بالا در الگوی نوساز که در محلات بازسازی شده و یا واحدهای اجاره‌ای قایم رفع است. فعالیت‌هایی که در ارتباط با سایر محلات یا جوامع بزرگتر انجام و موجب همبستگی بین اجتماعات می‌شود.	امکان انواع فعالیت‌های جمعی در مراسم مذهبی و عمومی برای همه سنین، گروه‌ها، قومیت‌ها و جنسیت، زیستن ساکنان با توان‌های اقتصادی مختلف در کنار هم، مرادده محلات جهت انجام فعالیت‌های مذهبی و خیریه

جدول ۱- عوامل پایداری در محلات همزیست و تطبیق با شهرسازی سنتی ایران

(مأخذ: جمع‌بندی براساس Williams, 2008)

#### ۴- نتیجه‌گیری

مشکلات ناشی از شهرنشینی لجام گسیخته موجب شده تا در الگوهای رایج شهرنشینی، کمبود مواردی نظیر روابط اجتماعی، مشارکت در امور محلی و ارتباط با طبیعت موجبات ناخشنودی شهرنشینان از این سبک زندگی را فراهم آورد و الگوهای جدیدی برای زندگی بهتر و دل‌پذیرتر و تأمین نیازهای اجتماعی ساکنان پیشنهاد شود.

محلات همزیست الگویی از شهرنشینی است که از دهه ۱۹۶۰ در دانمارک و سوئد پدید آمد و به تدریج در سایر کشورها نیز گسترش یافت. بررسی ویژگی‌های این الگو نشان می‌دهد که محلات همزیست به دلیل ایجاد تعلق اجتماعی، تقویت روابط جمعی، ایجاد زمینه زندگی سالم‌تر از نظر جسمی و روحی، ایجاد فضایی مناسب‌تر برای کودکان، جوانان و سالمندان، صرفه‌جویی در

در بسیاری از وجوه با این الگو مطابقت دارد. مشارکت در اجرای مراسم مذهبی، مدیریت هیأت‌ها، فضاهای جمعی در بخش‌های نیمه عمومی و نیمه خصوصی محلات (بن‌بست‌ها، میدانچه‌ها...)، مشارکت در تهیه، توزیع و صرف غذای نذری و اجتماع افراد یک خانواده و یا یک طایفه در بخش‌ها یا تمام یک محله که به آن فضای نیمه عمومی و غیر رسمی بخشیده و تصمیم‌گیری‌های جمعی را در آن تقویت می‌نماید، نمونه‌هایی از تطابق الگوهای زیستی مردم کشور با بخش‌های مختلف الگوی محلات همزیست است که البته در شهرهای کنونی کمرنگ شده و در حال فراموشی است. بنابراین از طریق بازبانی مناسبات مذکور و وارد نمودن آن در الگوهای نوین برنامه‌ریزی شهری، با لحاظ الگوهای فرهنگی و مذهبی می‌توان شیوه‌های پایداری جهت بهبود زندگی و سکونت شهری در کشور طراحی و اجرا نمود. در این



عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۵، ۳۵-۴۶.

لطیفی، غلامرضا و صفری چابک، ندا. (۱۳۹۲). بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۲، ۳-۱۲.

مضطرزاده، حامد و حجتی، وحیده. (۱۳۹۱). معیارهای پایداری محله شهری، ماهنامه دانش نما، دی ۱۳۹۱، ۷۲-۷۹.

نجفی، مهدی، سپاهی مقدم، حسین و پورمحمد، آناهیتا. (۱۳۸۸). امکان سنجی تشکیل کانون‌های امدادی محلات در شهرهای بزرگ. فصلنامه علمی امداد و نجات، سال اول، شماره ۲، ۲۳-۲۹.

Abraham, N., deLaGrange, K. (2006). Elder cohousing, an idea whose time has come?, *Communities*, 132, pp. 60-69.

Bamford, G & Lennon, L (2008). DES 18 Cohousing and rethinking the neighborhood: the Australian context, *BEDP Environment Design Guide*, 54(5), 1-10.

Fridman, J. (1993). *Toward a None-Euclidian Mode of Planning*. *APA Journal*, autumn, 482.

Fromm, D. (1991). *Collaborative Communities: Cohousing, Central Living and Other Forms of Housing with Shared Facilities*, Van Nostrand Reinhold, New York.

Glass, Anne P., Vander Plaats, Rebecca S. (2013). A conceptual model for aging better together intentionally, *Journal of Aging Studies*, 27(4), 428-442.

Holtzman, G. (2010). Introduction to Cohousing and the Australian Context (<http://scev.org/sites/default/files/Cohousing-Gilo-Holtzman-2010.pdf>)

Holtzman, G. (2012). Sustainable neighborhoods: the cohousing

راستا می‌توان پیشنهادهای ذیل را مطرح نمود.

- الگوهای بومی شده‌ای بر اساس تطبیق و تلفیق ویژگی‌های محلات همزیست، محلات شهرهای سنتی ایرانی اسلامی و نیازهای حال حاضر شهرهای ایران تهیه و اجرای آنها امکان سنجی شود.

- در طراحی محلات شهرهای جدید از مدل بومی شده این نوع محلات استفاده شود.

- مدل بومی شده این نوع محلات به صورت پایلوت در شهرهای تازه تأسیس که بافت روستاشهری دارند و ظرفیت روابط اجتماعی آنها بالاست، امکان سنجی و اجرا شود.

### منابع

پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس. (۱۳۸۹). ماهیت اجتماعی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۹، ۱-۱۱.

حبیبیان، بهار و سالاری مقدم، زهرا. (۱۳۹۲). پارک محله و نقش آن در تقویت پایداری محله‌ای، همایش جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران، اسفند ۱۳۹۲.

حسن پور، شهاب و ملکی، لادن. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت محله چیدر با رویکرد توسعه پایدار، کنفرانس ملی توسعه پایدار و عمران شهری، مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان، اصفهان، آذرماه ۱۳۹۰.

حنیفی، غلامعلی. (۱۳۸۳). واحدهای همسایگی پایدار راهی به سوی توسعه پایدار محله‌ای، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.

شکویی، حسین. (۱۳۷۲). جغرافیای اجتماعی شهرها، تهران: جهاد دانشگاهی.

شیخی، محمد. (۱۳۸۲). ساختار محله‌ای شهر در سرزمین‌های اسلامی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۲، ۳۹-۶۸.

عبداللهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله. (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و باز تعریف آن با تأکید بر شرایط محلات شهری ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، تابستان ۸۹، ۸۳-۱۰۲.

عبدی، محمدعلی و مهدیزادگان، سیما. (۱۳۸۹). توسعه درونی شهر، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.



96.

Sargisson, L. (2010). Cohousing: An Utopian property alternative?, Centre for the Study of Social and Global Justice, Working Paper Series.

Sargisson, L. (2012). Second-wave cohousing: a modern Utopia?, *Utopian Studies*, 23(1).

Thomas, W. H., Blanchard, J. M. (2009). Moving Beyond Place: Aging in Community, *Generations*, 33(2), 12–17.

Vestbro, D.U., Horelli, L. (2012). Design for Gender Equality: The History of Co-Housing Ideas and Realities, *Built Environment*, 38, no. 3: 315–335.

Widener, M.N. (2010). Cohousing: joining affordable, sustainable and collaboratively-governed, single family neighborhoods, *Real Estate Law Journal*, 39, 113–131.

Williams, J. (2005a). Designing Neighborhoods for Social Interaction: The Case of Cohousing, *Journal of Urban Design*, 10(2), 195–227.

Williams, J. (2005b). Sun, surf and sustainable housing-cohousing, the Californian experience, *International Planning Studies*, 10(2), 145–177.

Williams, J. (2008). Predicting an American future for cohousing, *Futures*, 40(3), 268–286. [www.cohousing.org](http://www.cohousing.org) (The Cohousing Association of the United States)

[Citytank.org](http://Citytank.org)

[Commons.wikimedia.org](http://Commons.wikimedia.org)

[Houstontomorrow.org](http://Houstontomorrow.org)

[WWW.Livewellcohousing.ca](http://WWW.Livewellcohousing.ca)

[WWW.Nccoho.org](http://WWW.Nccoho.org)

model, *ECOSonline* ([ecosmagazine.com/?paper=EC12262](http://ecosmagazine.com/?paper=EC12262))

Lietaert, M. (2010). Cohousing's relevance to degrowth theories, *Journal of Cleaner Production* 18, 576–580

Marckmann, B. M. M., Gram-Hanssen, K., Christensen, T. H. (2012). Sustainable Living and Co-Housing: Evidence from a Case Study of Eco-Villages. *Built Environment*, 38(3), 413-429.

Marcus, C., Dovey, K. (1991). Cohousing- an option for the 1990s, *Progressive Architecture* 6, 112–113.

McCamant, K., Durrett, C. (1988). *Cohousing a Contemporary Approach to Housing Ourselves*, Berkely, California: Ten Speed Press.

McCamant, K., Durrett, C. (2011). *Creating Cohousing: Building Sustainable Communities*, Gabriola Island: New Society Publishers.

Meltzer, G. (2001). Co-housing bringing communalism to the World?, *International communal studies association, communal living on the threshold of a new millennium: lessons and perspectives*, In: *Proceedings of the Seventh International Communal Studies Conference*, 25–27.

Meltzer, G. (2005). *Sustainable Community, Learning from the cohousing model*, Canada: TRFFORD.

Moztarzadeh, H., Mofidi, S. M., Hodjati, V. (2013). Explaining components of sustainability in urban communities, *International journal of architecture and urban development*, 3(2).

Sanguinetti, Angela. (2014). Transformational practices in cohousing: Enhancing residents' connection to community and nature, *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 40, 86–